





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فقه و حقوق اسلامی

عنوان :

«بررسی خرید و فروش اعضای شخص محکوم به اعدام»

پژوهشگر :

احسان یوسف پور

استاد راهنما :

جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید مهدی قریشی

استاد راهنما دوم :

جناب حجت الاسلام و المسلمین صفدر محمدی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

بهمن ۱۳۹۱

تقدیم به :

امام رأفت و مهربانی ها

امام علی بن موسی الرضا (ع)

ز آستان رضایم خدا جدا نکند

من و جدایی از این آستان خدا نکند

قدردانی بی پایان :

از پدر و مادر و خانواده عزیزم که همیشه راهنما و مشوق من بوده اند

و از همسر مهربانم که امید تازه ای به زندگیم بخشید

و از استادان عزیزم که با شکیبایی و بردباری خویش زمینه انجام این تحقیق را فراهم کردند .

همچنین از کلیه دوستان و عزیزانی که در گردآوری این پایان نامه با اینجانب همکاری نمودند بویژه برادر عزیزم جناب آقای هادی چراغی تشکر و قدردانی می نمایم .

علائم اختصاری

ق.ا.....قانون اساسی

ق.ا.ج.ا.....قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ق.م.....قانون مدنی

ق.م.ا.....قانون مجازات اسلامی

ج.....جلد

ص.....صفحه

رک.....رجوع کنید

چکیده :

با پیشرفت علم ، موضوع پیوند اعضای بدن به صورت گسترده ای مطرح شده است . پیوند عضو مستلزم انتقال و تصرف در آن است . برای عمل پیوند سه راه وجود دارد که یکی از آنها خرید و فروش اعضای بدن است . فقها و حقوق دانان فراوانی با مسأله خرید و فروش اعضای بدن مخالفت کرده اند و همین مخالفت باعث شده که آنها انتقال اعضاء بدن را منحصر در دو شیوه «وصیت» و «هبه» اعضای بدن بدانند ؛ و یکی از مهمترین اشکالات آنان برای مخالفت با این امر ، موضوع کرامت انسان است . درست است که همه اعضای بدن از نظر انسانی دارای جایگاه والایی هستند ، اما بیع اعضای بدن نیز با وجود اهداف عقلایی توأم با معنوی ، راه حل معقول و موجهی به نظر می رسد .

در یک تقسیم بندی کلی اعضای بدن انسان، با توجه به امکان جداسازی و تأثیری که بر سلامت دهنده عضو دارند به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم می شوند. اعضای اصلی به دلیل تأثیری که بر سلامت فرد دارند، در زمان حیات غیر قابل انتقال هستند ؛ لکن اعضای فرعی به دلیل تأثیر جزئی بر سلامت دهنده آن و با توجه به قاعده ضرورت و بحث اهم و مهم ، در زمان حیات قابل انتقال هستند.

بنابراین با توجه به مقدمه فوق در بحث اصلی ما که خرید و فروش اعضای شخص محکوم به اعدام می باشد ، می توان گفت که تنها راه حل برای خرید و فروش عضو ، خرید و فروش بعد از انجام اعدام می باشد. البته منوط به اینکه شخص محکوم به اعدام قبل از اجرای حکم ، اجازه داده یا نسبت به آن وصیت کرده باشد .

کلمات کلیدی : خرید و فروش ، اعضای بدن ، اعدام

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱- مقدمه

- ۱-۱: انگیزه انتخاب موضوع..... ۱
- ۲-۱: روش تحقیق..... ۱
- ۳-۱: پرسشهای تحقیق..... ۳
- ۴-۱: فرضیه های تحقیق..... ۳

۲- فصل اول: کلیات

- ۱-۲: وضعیت حقوقی اعضا و رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن..... ۸
- ۲-۲: قابلیت موضوع حق مالی بودن اعضا..... ۹
- ۱-۲-۲: ادله مالیت..... ۱۲
- ۱-۱-۲-۲: مفید بودن..... ۱۳
- ۲-۱-۲-۲: قابلیت اختصاص یافتن به شخص معین..... ۱۴
- ۳-۱-۲-۲: ارزش اقتصادی..... ۱۶
- ۳-۲: قابلیت موضوع حق غیر مالی بودن اعضا بدن..... ۱۹
- ۱-۳-۲: ادله غیر مالی..... ۲۱
- ۲-۳-۲: قابلیت نقل و انتقال..... ۲۱
- ۴-۲: مالکیت اعضا..... ۲۶
- ۱-۴-۲: اقسام و مراتب مالکیت..... ۲۶
- ۱-۱-۴-۲: مالکیت حقیقی..... ۲۶

- ۲۶..... ۱-۱-۱-۴-۲ : اسباب و علل مالکیت حقیقی
- ۲۷..... ۲-۱-۴-۲ : مالکیت اعتباری
- ۲۸..... ۱-۲-۱-۴-۲ : اسباب و علل مالکیت اعتباری
- ۲-۲-۱-۴-۲ : اسباب مالکیت در قانون
- ۳۳..... ۱-۲-۲-۱-۴-۲ : عقود و تعهدات
- ۳۴..... ۳-۱-۴-۲ : مالکیت ذاتی
- ۳۴..... ۱-۳-۱-۴-۲ : اسباب و علل مالکیت ذاتی
- ۳۷..... ۲-۴-۲ : ماهیت مالکیت اعضا
- ۳۸..... ۳-۴-۲ : وضعیت انتقال مالکیت اعضای بدن در حالات مختلف
- ۳۸..... ۱-۳-۴-۲ : انتقال در زمان حیات به وسیله خود شخص
- ۴۲..... ۲-۳-۴-۲ : انتقال در زمان حیات به وسیله شخص ثالث
- ۴۳..... ۳-۳-۴-۲ : انتقال پس از مرگ
- ۴۶..... ۴-۴-۲ : حق انتفاع اعضا
- ۴۶..... ۱-۴-۴-۲ : اسباب و علل حق انتفاع اعضا
- ۴۷..... ۱-۱-۴-۴-۲ : عقد
- ۴۸..... ۲-۱-۴-۴-۲ : اذن
- ۴۹..... ۵-۲ : کرامت انسانی
- ۵۱..... ۱-۵-۲ : کرامت انسانی از دیدگاه فقه
- ۵۱..... ۲-۵-۲ : اقسام کرامت
- ۵۲..... ۱-۲-۵-۲ : کرامت ارزشی

- ۵۲..... کرامت ذاتی : ۲-۲-۵-۲
- ۵۲..... کرامت ذاتی انسان در قرآن.....: ۱-۲-۲-۵-۲
- ۵۴..... کرامت ذاتی انسان در روایات: ۲-۲-۲-۵-۲
- ۵۵..... کرامت ذاتی انسان ، مبنای برخی گزاره های فقهی: ۳-۲-۵-۲
- ۵۹..... کرامت انسانی از دیدگاه حقوق: ۳-۵-۲
- ۶۱..... اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸.....: ۱-۳-۵-۲
- ۶۱..... اجلاسیه ۱۹۶۸ تهران در رابطه با اعلامیه جهانی حقوق بشر: ۲-۳-۵-۲
- ۶۲..... اسناد جهانی مربوط به کرامت انسانی.....: ۴-۵-۲

۳- : فصل دوم: بررسی احکام برداشت عضو

- ۶۴..... ۱-۳: بررسی احکام برداشت عضو.....
- ۶۶..... ۲-۳: تعیین قلمرو ضرورت برداشت عضو در دیدگاه فقهای شیعه.....
- ۶۶..... ۱-۲-۳: برداشت عضو با هدف حفظ حیات و نجات جان.....
- ۶۸..... ۲-۲-۳: برداشت عضو با هدف بهبودی و درمان یک بیماری مهم و جبران نقص عضو.....
- ۶۹..... ۳-۳: تعیین قلمرو ضرورت برداشت عضو در دیدگاه قانون: ۳-۳
- ۷۰..... ۴-۳: نقش وصیت در جواز برداشت عضو.....
- ۷۱..... ۱-۴-۳: دلایل قائلین به جواز وصیت برای برداشت عضو.....
- ۷۱..... ۱-۱-۴-۳: استمرار اختیارات انسان بعد از مرگ: ۱-۱-۴-۳
- ۷۲..... ۲-۱-۴-۳: اطلاقات ادله وصیت و مشروعیت آن: ۲-۱-۴-۳
- ۷۳..... ۳-۱-۴-۳: حلیت جان و مال مسلمان با رضایت او.....
- ۷۴..... ۴-۱-۴-۳: حذف عنوان هتک حرمت میت به وسیله ی وصیت.....

- ۷۵.....۲-۴-۳ : دلایل قائلین به منع یا عدم جواز وصیت برای برداشت عضو.....
- ۷۵.....۱-۲-۴-۳ : عدم وجود قابل برداشت عضو.....
- ۷۶.....۲-۲-۴-۳ : ملک نبودن اعضای بدن.....
- ۷۷.....۳-۲-۴-۳ : جایز نبودن برداشت اعضا از مردگان.....
- ۷۷.....۴-۲-۴-۳ : داشتن عواقب منفی اجتماعی.....
- ۷۸.....۳-۴-۳ : وصیت به برداشت عضو در فتاوی فقهای شیعه.....
- ۷۹.....۴-۴-۳ : وصیت به برداشت عضو در کلام حقوق دانان.....
- ۸۰.....۵-۴-۳ : وجود و عدم وصیت برای برداشت عضو.....
- ۸۱.....۱-۵-۴-۳ : لزوم اذن ورثه در صورت نبود وصیت برای انتقال عضو.....
- ۸۱.....۲-۵-۴-۳ : عدم لزوم اذن ورثه در صورت نبود وصیت برای انتقال عضو.....
- ۸۲.....۶-۳ : نقش اذن ولی در جواز برداشت عضو.....
- ۸۳.....۱-۶-۳ : بررسی دیدگاه فقهای شیعه.....
- ۸۳.....۱-۱-۶-۳ : جواز و استدلال بر نافذ بودن رضایت ولی شرعی.....
- ۸۳.....۲-۱-۶-۳ : عدم جواز برداشت عضو با اذن ولی و دلایل آن.....
- ۸۵.....۲-۶-۳ : بررسی دیدگاه حقوق دانان.....
- ۸۵.....۷-۳ : خرید و فروش اعضای بدن.....
- ۸۵.....۱-۷-۳ : خرید و فروش اعضای بدن از دیدگاه فقه.....
- ۸۷.....۲-۷-۳ : خرید و فروش اعضای بدن از دیدگاه حقوق.....
- ۸۸.....۳-۷-۳ : دلایل مخالفین خرید و فروش اعضا.....
- ۸۹.....۱-۳-۷-۳ : مالک حقیقی بودن خداوند.....

- ۹۰..... ۲-۳-۷-۳ : مال نبودن اعضای بدن انسان
- ۹۲..... ۳-۳-۷-۳ : بطلان خرید و فروش میتة با توجه به آیات و روایات
- ۹۴..... ۴-۳-۷-۳ : اجماع
- ۹۵..... ۵-۳-۷-۳ : بطلان خرید و فروش اشیاء نجس
- ۹۵..... ۶-۳-۷-۳ : ناسازگاری خرید و فروش اعضای بدن انسان با کرامت او
- ۹۶..... ۴-۷-۳ : دلایل موافقین خرید و فروش اعضا
- ۹۶..... ۱-۴-۷-۳ : جواز فروش با استناد به اصل عملی
- ۹۷..... ۲-۴-۷-۳ : جواز فروش بر اساس جواز قطع اعضا
- ۹۸..... ۳-۴-۷-۳ : مالک بودن انسان
- ۹۸..... ۴-۴-۷-۳ : جواز فروش بر اساس حق تصرف
- ۹۹..... ۵-۷-۳ : خرید و فروش اعضا از دیدگاه حقوق دانان و قانون
- ۱۰۱..... ۶-۷-۳ : اشکالات وارده بر خرید و فروش بدن از جانب حقوق کیفری
- ۱۰۱..... ۱-۶-۷-۳ : اشکال تعرض به تمامیت جسمانی شخص
- ۱۰۳..... ۱-۱-۶-۷-۳ : جواب اشکال تعرض به تمامیت جسمانی شخص
- ۱۰۵..... ۲-۶-۷-۳ : اشکال مخالفت با نظم عمومی
- ۱۰۶..... ۱-۲-۶-۷-۳ : جواب اشکال مخالفت با نظم عمومی
- ۱۰۷..... ۳-۶-۷-۳ : اشکال کرامت انسان
- ۱۰۷..... ۱-۳-۶-۷-۳ : جواب اشکال کرامت انسان
- ۱۰۸..... ۴-۶-۷-۳ : اشکال شیوع تجارت خلاف روی اعضای بدن
- ۱۰۸..... ۱-۴-۶-۷-۳ : جواب اشکال شیوع تجارت خلاف روی اعضای بدن

۴- فصل سوم : اعدام و مقتضیات زمان و مکان در آن

- ۱-۴ : اعدام و مقتضیات زمان و مکان در آن..... ۱۱۰
- ۲-۴ : بررسی ملاکات احکام (مصالح و مفسد). ۱۱۱
- ۳-۴ : تغییر ملاکات با تغییر شرایط و مقتضیات ۱۱۵
- ۱-۳-۴ : نظریه اول ۱۱۵
- ۲-۳-۴ : نظریه دوم ۱۱۵
- ۳-۳-۴ : نظریه سوم ۱۱۸
- ۴-۴ : برخورد روایات با شرایط و مقتضیات ۱۲۰
- ۵-۴ : نتیجه ۱۲۱

۵- فصل چهارم : نتیجه گیری مباحث

- ۱-۵ : اعضای که حیات انسان متوقف بر آنها است..... ۱۲۵
- ۲-۵ : اعضای که متجدد هستند ۱۲۷
- ۳-۵ : اعضای غیر متجدد ۱۲۸
- ۴-۵ : انتقال عضو از میت ۱۳۱
- ۱-۴-۵ : انتقال از طریق وصیت ۱۳۲
- ۲-۴-۵ : انتقال عضو میت از طریق بیع..... ۱۳۲
- ۱-۲-۴-۵ : فروش عضو در زمان حیات ۱۳۲
- ۲-۲-۴-۵ : فروش اعضای میت پس از مرگ توسط ورثه ۱۳۲

۶- منابع و مأخذ

- ۱-۶ : منابع فارسی..... ۱۳۶

۲-۶ : منابع عربی..... ۱۴۱

۳-۶ : چکیده انگلیسی..... ۱۴۹

۱- مقدمه

۱-۱: انگیزه انتخاب موضوع :

امروزه تمامی رشته های حقوقی اعم از حقوق جزا، حقوق عمومی و بین الملل و همچنین نظام حقوقی فقه، در اثر پیشرفت ها و تحولاتشان با مسائل جدید بسیاری مواجه گردیده اند.

مسائلی همچون تغییر اوضاع و احوال قراردادها، ثمن شناور، بیع زمانی، کاهش ارزش پول، تجارت الکترونیک، وضعیت حقوقی اعضای بدن، رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن خویش، استفاده از رحم جایگزین، فرزندان آزمایشگاهی، خرید و فروش اعضای بدن و... تنها بخشی از مسائل جدیدی است که رشته حقوق خصوصی با آنها مواجه است. بدیهی است که بررسی های پژوهشی درباره تمامی این پدیده های حقوقی ضروری و سودمند است و می تواند علاوه بر آنکه وقایع و اعمال حقوقی افراد را سامان دهد بر پویایی و کارایی آن بیش از زمانهای دیگر بیافزاید. تا بدان پایه که به عنوان یکی از شاخصه های توسعه و پیشرفت آن جامعه مورد محاسبه قرار گیرد. جدید بودن موضوع خرید و فروش اعضای شخص محکوم به اعدام در ادبیات نظام حقوقی فقه امامیه و حقوق ایران، اهمیت کاربردی آن در جامعه و حقوق پزشکی، عدم بررسی آن در آثار فقهی و حقوقی از یک سو و ترغیب و تشویق اساتید محترم از سوی دیگر در شمار ویژگی ها و انگیزه هایی است که نگارنده را بر آن داشت تا موضوع مزبور را برای رساله دوره کارشناسی ارشد خود برگزیند و پیشنهاد نماید.

۱-۲: روش تحقیق

بحث و بررسی در این پایان نامه به شیوه « کتابخانه ای » خواهد بود و بر پایه روش تحقیق های اسنادی و به طور تطبیقی بین فقه امامیه و حقوق ایران بررسی می شود .

تلاش می شود تا آنجا که ممکن است نخست به نظریه های فقهی و حقوقی متناسب با موضوع بحث پرداخته شود و در حد توان، نظریه پردازی های

ضروری مناسب نیز صورت پذیرد. این تلاش بدان امید است که با عنایت خداوند سبحان و در حد توان، نوشتاری سزاوار استفاده برای مراکز علمی، پژوهشی و قانون گذاری محسوب گردد و همچنین برای مطالعه اساتید، پژوهشگران، دانشجویان دوره های مختلف اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در رشته های حقوق، فقه و رشته پزشکی و همچنین دانش پژوهان حوزه های علمیه و دیگر خوانندگان محترم سودمند واقع شود و در زمینه تدوین طرح ها، لوایح و قانون گذاری از سوی قوای قضائیه، مقننه و مجریه نیز بکار آید.

با تمام اهمیت هایی که هر یک از انواع تلاش های پژوهشی مانند تحقیق، تصحیح نسخ خطی، ترجمه و گردآوری می تواند برای رشد و بالندگی گستره های علمی و پژوهشی بشر و در شمار آنها حقوق پزشکی و به ویژه موضوع خرید و فروش اعضای شخص محکوم به اعدام داشته باشد، شیوه تالیفی برای این نوشتار برگزیده شده است. شیوه مزبور با استفاده از منابع کتابخانه ای معتبر نگاشته شده و در دو دانش فقه امامیه و حقوق ایران و با ساختاری تطبیقی بین آن دو انجام خواهد شد.

با توجه به تلاشی که حقوق دانان و قانون گذار ایران در گذشته و حال برای رعایت مطابقت محتوای قوانین و حقوق با محتوای فقه امامیه و شرع مقدس اسلام داشته و دارد، پیش بینی می شود که اختلاف محتوایی عمده ای در بررسی های تطبیقی این نوشتار وجود نداشته باشد؛ اما به نظر می رسد با توجه به جدید بودن موضوع، تفاوت هایی در ساختار ادبیاتی و با میزان کمی و کیفی آنها وجود دارد. به این معنا که در یکی از آنها به موضوعی پرداخته شده و حکم آن تبیین شده باشد، در حالی که در دیگری چنین نباشد و کاستی و نقصی در این باره در آن موجود باشد. بنابراین مطالعه و بررسی تطبیقی مزبور در این زمینه می تواند بسیار سودمند و مهم واقع شود؛ چرا که آنها می توانند مکمل یکدیگر باشند.

۳-۱: پرسشهای تحقیق

پرسشهای عمده ای در این پایان نامه با توجه به موضوع و عنوان انتخابی آن مطرح است و سعی شده تا با استفاده از مبانی و منابع فقه و حقوق به آنها پاسخ داده شود؛ که این پرسشها به ترتیب زیر عبارت است از:

- ۱- آیا اعضای بدن دارای مالیت و ارزش اقتصادی عرفی است؟
- ۲- با فرض اینکه عرف اعضای بدن را دارای ارزش اقتصادی و مالیت بدانند، آیا قانون گذار نیز ارزش اقتصادی مزبور را معتبر می داند و این ارزش اقتصادی دارای اعتبار قانونی است؟
- ۳- آیا انسان مالک اعضای بدن خویش است؟
- ۴- با فرض اینکه انسان مالک اعضای بدن خویش باشد، نوع مالکیت مزبور چگونه است و سبب یا اسبابی که موجب تملک مزبور می شود چیست؟
- ۵- آیا شخصی که به هر دلیلی به اعدام محکوم شده است می تواند اعضای بدن خود را اهدا نماید یا آنها را به فروش برساند؟
- ۶- هدف شارع از مجازاتهایی مانند اعدام، قصاص و ... چیست؟ به عنوان مثال اگر هدف شارع از هاق نفس است، آیا این هدف با فروش یا اهدا اعضای بدن شخص محکوم به اعدام محقق نمی شود؟
- ۷- آیا مجازاتهایی مانند اعدام و قصاص و ... باید به همان کیفیتی که در شرع مقدس اسلام مشخص شده انجام شود؟ یا کیفیت بیان شده از سوی شارع موضوعیتی نداشته و ملاک برای تحقق اعدام، قصاص و ... از هاق نفس است؟

۴-۱: فرضیه های تحقیق

با توجه به مباحثی که درباره این موضوع مطرح می باشد و در متن نوشتار به تفصیل بررسی خواهد شد، به نظر می رسد فرضیه های زیر می تواند در مورد خرید و فروش اعضای شخص محکوم به اعدام متصور باشد:

۱- اعضای بدن انسان بر پایه اینکه می توان آنها را جدا کرد یا نه به دو قسمت تقسیم می شود: اعضای که جدا سازی آنها از بدن، دارای منع شرعی و حقوقی است و اعضای که جدا سازی آنها از بدن، منع شرعی و حقوقی ندارد. وضعیت حقوقی هریک به تناسب تقسیم بندی فوق، تفاوت می کند. به اینگونه که قسم اول از نظر فقهی حقوقی مالیت و ارزش اقتصادی ندارد و نمی توان آنها را موضوع، قرار داد و متعلق آن تعیین کرد؛ حال آنکه قسم دوم چنین نیست و می توان آنها را موضوع، قرار داد و در مقابل آن عوض طلب کرد.

۲- رابطه حقوقی انسان با اعضای بدن، از نوع حق مالکیت است. اگر قصد شارع از اعدام تنها ازهاق نفس باشد در این صورت بیع اعضا اصلی چه اشکالی دارد؟ حق مالکیت مزبور در اعضای که جدا سازی آنها با منع مواجه می باشد، از نوع حق مالکیت های غیر قابل انتقال به غیر خواهد بود و به دلیل عدم مالیت می توان به آن حق اختصاص نیز اطلاق کرد؛ اما در اعضای که جدا سازی آنها با منع مواجه نیست، انتقال حق مالکیت مزبور در قبال اخذ عوض یا بدون آن مجاز خواهد بود.

۳- بدن انسان مسلمان اگرچه محکوم به اعدام هم شده باشد، مورد احترام است.

۴- حکم خرید و فروش اعضای بدن، با توجه به مبانی مختلف فقهی می تواند متفاوت باشد.

۵- انسان حق ندارد به خود ضرر برساند؛ مگر اینکه مصلحت مهمتری مطرح باشد و موضوع مورد بحث ما ممکن است یکی از این مصالح باشد.

۶- خرید و فروش اعضای بدن شخص محکوم به اعدام ممکن است با هدفی که شارع از اعمال مجازاتهایی مانند اعدام یا قصاص و ... دارد منافاتی نداشته باشد.

فصل اول :

کلیات

اجزای بدن انسان را با استفاده از شاخص ها و مقسم های متفاوتی مانند سلولها، بافتها، اندامها یا ارگانها و دستگاهها می توان مطالعه و تقسیم بندی کرد. برای مثال اجزای مزبور بر پایه تقسیم بندی بدن انسان بر اساس دستگاه ها، بصورت تقسیمات سه گانه زیر تقسیم بندی می شود که عبارت اند از :

۱- دستگاه حیاتی ارتباطی : دستگاه مزبور نیز به دستگاه حرکتی شامل : استخوان ها ، مفاصل و عضلات دستگاه اعصاب و دستگاه حساسه یا اعضای حواس پنجگانه شامل : حواس شنوایی ، بینایی ، بویایی ، چشایی و لامسه تقسیم می شود. دستگاه اعصاب از دستگاههای مذکور نیز به دستگاه های «عصبی مغزی نخایی» و «عصبی حیاتی نباتی» تقسیم می شود .

۲- دستگاه تغذیه ای : دستگاه مزبور نیز شامل دستگاه هایی مانند دستگاه گوارش ، دستگاه گردش خون ، دستگاه ادراری و غدد درون ریز می شود .

۳- دستگاه توالد و تناسل (پور فرهاد ، ۱۳۷۱ : ۲)

تمامی اجزا و اعضای بدن به پیکر انسان و قسمتهای متناسب با آن چسبیده است و جداسازی آنها از بدن به استثنای موارد چندی مانند : مو ، ناخن یا خون به راحتی امکان ندارد ؛ و نیاز به افراد متخصص و عملیات جراحی ویژه دارد و غالباً همراه با درد و عوارض جانبی و اختلال در عملکرد سایر ارگانسیم های بدن است. بنابراین در جداسازی هر عضوی ، ابتدا باید امکان یا عدم امکان جداسازی و سپس عوارض جانبی و اختلال هایی که ممکن است در اثر جداسازی عضو مزبور برای انسان و اعضای دیگر بوجود آید بررسی شود. چرا که اگر جداسازی عضو برای بدن زیان داشته باشد ، این مساله مطرح می شود که آیا شخص یا اشخاص دیگر حق چنین عملی را دارند یا نه ؟ و قانون گذار یا شارع به آنها اجازه چنین عملی را می دهد یا نه ؟ مبنای این اجازه یا عدم اجازه چیست ؟ اگر اجازه ندارند ، اشخاصی که مرتکب چنین تخلفی شوند ، چه حکم و سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود ؟

علاوه بر اینکه تقریباً اکثر اعضای بدن انسان بجز موارد اندکی مانند خون ، سلولهای جنسی مرد ، دندان ها ، ناخن ها و موها این گونه اند که فقط برای یکبار آن هم در همان دوره جنینی تولید می شود و انسان بر خلاف بعضی از حیوانات - مانند : کرم خاکی که توانایی تولید مثل مجدد پاره ای از اعضای بدن خود را دارد - چنین توانایی را ندارد و تلاشهای بعدی ارگانیسم بدن وی تنها در جهت نگهداری ، رشد و بازسازی های جزئی اعضای تولید شده است. فقدان هر عضوی به تناسب کارایی آن تاثیرات متفاوتی را در فعالیت ارگانیسم بدن و رفتار افراد ایجاد می کند و موجب معلولیت ها و نقصانهای جسمانی و محدودیت های رفتاری وی می شود و حتی در برخی مواقع از دست دادن یک عضو مانند مغز یا قلب مساوی با مرگ انسان و پایان پذیرفتن حیات وی است.

بنابراین اشخاص باید در حفظ اعضای بدن خود بسیار بکوشند ؛ چرا که اگر اعضای مزبور صدمه ای کلی ببینند ، از بین می روند و به دلیل اینکه بدن توانایی تولید مجدد آنها را ندارد ، انسان با فقدان و از دست رفتن اعضای آسیب دیده مواجه خواهد شد .

البته علم پزشکی برای کاهش عوارض و صدمات جسمی معلولیت ها و محدودیتهای رفتاری و حتی حفظ حیات اشخاصی که عضوی را از دست داده اند ، تلاشهای موثر بسیار مفیدی انجام داده است و به نتایج خوب و فناوری های ارزشمندی از قبیل تولید اعضای مصنوعی طبی و یا پیوند اعضای بدن دست پیدا کرده است. اما سوال این است که وضعیت حقوق اعضای غیر تولید شونده و رابطه اشخاص با اعضای مزبور از چه نوعی است ؟ و آیا اشخاص و دیگران برای نگهداری چنین اعضایی که غیر تولید شونده است تکلیفی دارند یا نه ؟ آیا اشخاص با اراده آزاد می توانند بهره مندی از اعضای غیر تولید شونده را به دلایلی از خود سلب و این حق را بطور معوض یا غیر معوض و به صورت احسانی به دیگری واگذار کنند؟